

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشتریان: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دوازده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT • پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

• پیامبر اکرم (ص):

نعمت خشنودی خواند از اهل بهشت از تمام نعمت‌های بهشتی برتر است.



الذکر المثنور: ج ۴، ص ۲۳۸



«ابوطالب حسینی» هربشب با «جیمی جام» روی آنتن می‌رود

همزمان با آغاز رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۲۶، برنامه «جیمی جام» هربشب از یکی از پلنرهای نمایش خانگی پخش می‌شود. این برنامه به مدت ۴۰ شب حواشی داغ فوتبال را با موضوع جام جهانی پوشش خواهد داد.

عوامل برنامه «جیمی جام» عبارتند از تهیه کننده: مسعود باقری، کارگردان و مجری: ابوطالب حسینی، سرپرست نویسندگان: مصطفی مصطفی زاده، طرح صحنه: محسن نصراللهی، مدیر صدابرداری: فرهاد امامی، سرپرست تدوین: احسان قانان. **اصبا**



«مرتضی نعمت‌الهی»، مجسمه‌ساز پیشکسوت اصفهان درگذشت

مرتضی نعمت‌الهی، مجسمه‌ساز و هنرمند پیشکسوت اصفهانی که از او به عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار مجسمه‌ساز معاصر ایران یاد می‌شود، جمعه ۲۲ خرداد ۱۴۰۵ دار فانی را وداع گفت. نعمت‌الهی متولد اول بهمن ۱۳۲۴ در اصفهان بود. این هنرمند از ۱۳۴۹ آثار خود را در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی در تهران، اصفهان و پاریس به نمایش گذاشت و در چندین بی‌نیال نیز حضور داشت. مرتضی نعمت‌الهی را می‌توان از پیشگامان رویکرد روشمند در مجسمه‌سازی معاصر ایران دانست. **ایسنا**



فیلم «فرهادی» در بازار بین‌المللی خریدار پیدا کرد

فیلم «داستان‌های موزی» اصغر فرهادی پس از اولین نمایش جهانی خود در بخش رقابتی جشنواره فیلم کن، در بازار بین‌المللی با اقبال مواجه شد. «داستان‌های موزی» که به تازگی توسط «مؤمنو» در فرانسه اکران شده، حالا قرار است در بازارهای مختلف جهان از جمله کانادا، آمریکا، لاتین، استرالیا، نیوزیلند، کره جنوبی، سنگاپور، ژاپن، آلمان و... به نمایش درآید. «این‌دیپندنت فیلم گروپ» نیز حقوق پخش فیلم در آمریکا را به دست آورده است. **امهر**



نقل قول

آثار خسروی یک مدرسه است

علی خسروی تصویرساز، نقاش، طراح گرافیک و ژورنالیست بود. او به عنوان یک نقاش راه و روش زیبایی‌شناسی اختصاصی خودش را داشت. شیوه‌بندی یکه کارش او را از بقی متفاوت می‌کرد. نگاهش به تاریخ هنر ایران، به امروز، به زنان و به جامعه بیان انسانی بود. یک شاعرانگی مخصوص، پر از ظرافت و هزل در کارش وجود داشت که آن را کاملاً با دیگران متفاوت می‌کرد. یعنی جهانی میان ادبیات و تصویر را خلق می‌کرد، همچنین یک نوع احترام‌سگرفی به پدیده‌ها و موتیف‌های اقوام متفاوت ایرانی در نقاشی‌ها و آثار گرافیکی او وجود داشت و جای بکه و بزرگی را به خودش اختصاص داده بود. علی خسروی یک مدرسه است. اگر جوانی برای آموختن به سوسی کارهای او برود، آثار خسروی مدرسه بی‌ظنری است که به هر گوشه آن نزدیک شود، می‌تواند مثل یک چشمه جوشان، پیاله‌ای برای رفع عطش خود بردارد.



بهرام کلهرنیا، رئیس هیات مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران در گفت‌وگو با ایرنا، به بهانه چهلمین روز درگذشت علی خسروی نقاش، طراح و گرافیست

آیین بزرگداشت و جشن تولد «هادی منتظری» برگزار شد

نیم‌قرن همراهی با کمانچه و موسیقی ایرانی



آیین بزرگداشت هادی منتظری را می‌توان تجلی احترام به استعمار، آموزش و انتقال تجربه در موسیقی ایرانی دانست؛ جایی که گذشته و حال در یک بستر مشترک به گفت‌وگو می‌نشینند

بر جایگاه موسیقی در زندگی انسان اظهار کرد: «موسیقی سرزمین‌های مختلف، حتی سرزمین‌هایی که فرهنگ‌های بومی آنها دستخوش تغییر شده، ریشه در تاریخ و هویت مردم دارد. موسیقی به انسان کمک می‌کند رنج‌ها و دشواری‌های زندگی را تحمل کند و امید را زنده نگه دارد.» او افزود: «بسیاری از هنرمندان در دوره‌هایی فعالیت کرده‌اند که موسیقی محدودیت‌ها و دشواری‌های فراوان روبرو بوده است، اما آنان این هنر را زنده نگه داشتند. استاد هادی منتظری نیز از جمله هنرمندانی است که با تلاش و پشتکار، موسیقی را حفظ کرد و مسیر خود را ادامه داد.»

کودکی آغاز شد. ساز اول او ویولن بود، اما پس از آشنایی با محمدرضا لطفی، به تدریج به کمانچه نیز گرایش پیدا کرد و با همراهی کمک مجتبی میرزاده توانست سازی برای خود تهیه کند. از آن پس، در محافل هنری و موسیقایی به نوازندگی کمانچه پرداخت. این ساز در مرور چنان جایگاهی در زندگی او پیدا کرد که مسیر هنری‌اش را به طور کامل تغییر داد.

در هفتادویکمین سالروز تولد این هنرمند که به همت بیست و چهارمین همایش شعر و موسیقی کانون ادبی «زمستان» با حضور جمعی از اهالی فرهنگ و هنر برگزار شد، علی‌اکبر شکارچی، پیشکسوت موسیقی و هم‌نواز هادی منتظری، با تأکید

گزارش

نداسیجانی

گروه فرهنگی

شامگاه جمعه ۲۲ خردادماه، فرهنگسرای ارسباران میزبان آیین بزرگداشت و جشن تولد هادی منتظری، آهنگساز و نوازنده پیشکسوت کمانچه بود؛ هنرمندی که ۲۴ خرداد ۱۳۳۴ در کرمانشاه متولد شد و بیش از نیم‌قرن از عمر خود را وقف موسیقی و آموزش این هنر کرده است. علاقه هادی منتظری به موسیقی از دوران

تحلیلی بر رویدادهای «هنر و جنگ» در موزه هنرهای معاصر تهران



موفق شده است خود را نه صرفاً یک فضای نمایشگاهی، بلکه یک «بناگاه فرهنگی» معرفی کند که در آن پارادوکس نمایش آثار ضدجنگ آمریکایی در تهران به پلی برای درک بیشتر تبدیل می‌شود.

بازسازی روان جمعی

پروژه «هنر و جنگ» را می‌توان در چارچوب فرهنگ پساجنگ تحلیل کرد. در این رویکرد، نهاد فرهنگی وظیفه دارد حافظه جمعی را بازسازی کرده و از طریق هنر، مسیری برای کاهش اضطراب اجتماعی بگشاید. پیوند میان آثار ضد جنگ غربی، تجربه تاریخی هنرمندان اسپانیایی در مواجهه با فاشیسم و هنر انقلابی مکزیکی، یک روایت مشترک جهانی از رنج و مقاومت ایجاد کرد. ارجاع به میراث پیکاسو و خوانس ضمنی «گرنیکا» در این فضا، تلاشی بود تا تجربه معاصر جامعه ایران به تاریخ جهانی ایستادگی پیوند بخورد.

دیپلماسی فرهنگی

گفت‌وگو با جهان از قلب گنجینه یکی از درخشان‌ترین ایسادهای این پروژه، بهره‌برداری از قدرت نرم موزه بود. موزه با انتخاب هوشمندانه هنرمندان از جغرافیای مختلف (آمریکا، اسپانیا و مکزیکی)، دو پیام دیپلماتیک را مخابره کرد: * احیای سرمایه بین‌المللی؛ بازگشت آثار گنجینه به دیوارها، اعتبار جهانی موزه را بازسازی کرد. * همبستگی با جنوب جهانی؛ حضور هنر مکزیکی و اجرای موسیقی بومی، بر پیوند میان فرهنگ‌های مقاومت و هویت‌های اصیل غیرغربی تأکید ورزید.

یادداشت

سالار رفیعیان

موزه‌دار

مجموعه رویدادهای «هنر و جنگ» در موزه هنرهای معاصر تهران را نباید تنها یک تقویم نمایشگاهی ساده انگاشت؛ این پروژه در واقع یکی از استراتژیک‌ترین مداخلات فرهنگی سال‌های اخیر در ایران است. این مجموعه رویداد با درهم‌تنیدن سه کارکرد «بازتعریف نقش اجتماعی موزه»، «فعال‌سازی دیپلماسی فرهنگی» و «ترمیم تصویر عمومی موزه به عنوان فضای گفت‌وگوی چندصدایی»، توانست موزه را از یک ویرتین تاریخی به یک کنشگر اجتماعی بدل کند.

هنر و جنگ

موزه به مثابه فضای واکنش اجتماعی در روزگاری که جامعه ایران در شرایط خاص جنگ تحمیلی قرار داشت، موزه هنرهای معاصر با خروج از الگوی «موزه آرام»، به یک نهاد اجتماعی واکنشگر تبدیل شد. نمایش آثار پاپ‌آرت ضد جنگ هنرمندان جریان‌ساز آمریکایی‌نظیر روی لیختنتشتاین، رابرت ایندیانا و جیمز روزنکوویست، فراتر از یک انتخاب هنری، یک بیانیه سیاسی- فرهنگی بود.

این رویداد با استفاده از هنر غربی برای نقد خشونت، عملاً گنجینه موزه را به ابزاری برای گفت‌وگو بدل کرد. بازتاب این حرکت در رسانه‌های بین‌المللی، مانند گزارش یورونیوز با تیتیر «هنر برای بقا»، نشان داد که موزه

این هنرمند بر سر موسیقی ایرانی باقی بماند. هادی منتظری نیز در این آیین با قدردانی از حاضران و هنرمندان، یاد استاد علی اصغر بهاری را گرامی داشت و با خواندن شعری گفت: «ای صاحبان کوی وفا دم غنیمت است؛ شادی اگر نبود، غم غنیمت است.»

او در ادامه با اشاره به مفهوم غم افزود: «این غم با غصه متفاوت است؛ غم انسان را به تفکر وامی‌دارد و به معبود نزدیک می‌کند. غم معنوی است، اما غم مادی.» منتظری همچنین خاطره‌ای از همکاری با استاد علی اصغر بهاری برای حاضران روایت کرد.

در پایان این مراسم، تندیس کانون ادبی و تلویزیونی نیز در این مراسم گفت: «موسیقی در سرزمین ما تنها یک هنر نیست، بلکه پیوندی عمیق با روح و آرزوهای انسان دارد. بزرگان موسیقی با تمام وجود و در سخت‌ترین شرایط، چراغ این هنر را روشن نگه داشتند.»

شهرام صاری، آهنگساز و نوازنده کمانچه نیز با اشاره به سابقه شاگردی نزد هادی منتظری اظهار کرد: «از سال ۱۳۶۲ در کانون فرهنگی هنری چاووش، مرکز پژوهش‌های موسیقی ایرانی و دانشگاه هنر افتخار شاگردی منتظری را داشتم. صدای ساز او همیشه در گوش من مانده است. امروز تجلیل از این هنرمند، افتخاری برای فرهنگ و هنر است.»

علیرضا فریدون‌پور، خواننده موسیقی سنتی و پژوهشگر نوازندگی منتظری گفت: «با سبک قدما و همان شیوه استاد علی اصغر بهاری کمانچه می‌نوازد و وارث آن مسیر است. امیدوارم سایه



موزه در قامت پناهگاه

البته ارزیابی دقیق میزان تأثیر اجتماعی و فرهنگی چنین رویدادی نیازمند مطالعات مخاطب، تحلیل بازخوردها و پژوهش‌های میدانی است؛ با این حال، بازتاب گسترده رسانه‌ای، استقبال مخاطبان و شکل‌گیری گفت‌وگو و پیرامون مفاهیم جنگ، صلح و مقاومت، نشانه‌هایی از ظرفیت موزه برای ایفای نقشی فعال‌تر در عرصه عمومی را آشکار می‌کند.

ترکیب هنرهای تجسمی بین‌المللی با موسیقی نواحی ایران در این پروژه، تصویری از موزه‌ای چندرسانه‌ای و اجتماعی ارائه داد؛ نهادی که تاریخ را نه برای بایگانی گذشته، بلکه برای فهم اکنون و تصور آینده فرامی‌خواند. در چنین خوانشی، موزه دیگر تنها گنجینه‌ای از اشیاء نیست، بلکه بستری برای مواجهه جامعه با تجربه‌های مشترک، حافظه‌های جمعی و پرسش‌های زمانه خویش است.

شاید معنای عمیق این تجربه را بتوان در همان روایت مشهور مرتبط با «گرنیکا» پیکاسو جست‌وجو کرد: آنجا که گفته می‌شود یک افسر آلمان نازی با اشاره به تصویر این اثر از پیکاسو پرسید: «این کار شماسست؟» و پیکاسو پاسخ داد: «نه، کار شماسست!»

در این پاسخ کوتاه، تمام قدرت هنر نهفته است؛ توانی که به جای تکرار خشونت، آن را به آینه‌ای برای بازشناسی حقیقت بدل می‌کند. اگر جنگ با صراحت ویرانگر خود سخن می‌گوید، هنر با زبان استعاری‌اش امکان فهم، یادآوری و مقاومت را فراهم می‌آورد. از این منظر، مهم‌ترین دستاورد رویداد «هنر و جنگ» شاید نه نمایش آثار ضد جنگ، بلکه یادآوری همین ظرفیت بنیادین هنر باشد: تبدیل ویرانی به آگاهی و تبدیل لحظه رنج به امکانی برای گفت‌وگو و زیستن در کنار یکدیگر. شود.

تحلیل فرهنگی روز

رضاصانعی

دبیر فرهنگی

درباره ستون تازه فرهنگی روزنامه ایران

چرا «تحلیل فرهنگی روز»؟

از امروز می‌توانید این ستون را در صفحه فرهنگی روزنامه ایران بخوانید که در آن نگاهی تحلیلی به رخداد‌های فرهنگی از سینما و تئاتر گرفته تا موسیقی و هنرهای تجسمی و هر آنچه در قلمرو امر فرهنگی قرار می‌گیرد، خواهیم انداخت. از فرهنگ در زندگی روزمره تا مدیریت و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی؛ اما چرا تحلیل فرهنگی روز؟ در عصر انفجار اطلاعات، دسترسی به خبر بیش از هر زمان دیگری آسان شده است. هر روز هزاران خبر، گزارش، تصویر و روایت از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در برابر مخاطبان قرار می‌گیرد. با این حال، آنچه بیش از کمبود اطلاعات احساس می‌شود، کمبود فهم و تفسیر است. جامعه امروز نه فقط به دانستن آنچه رخ داده، بلکه به درک معنای آنچه رخ می‌دهد نیازمند است. اینجاست که اهمیت روزنامه‌نگاری فرهنگی و ضرورت شکل‌گیری فضایی برای تحلیل فرهنگی رخداد‌های روز آشکار می‌شود.

روزنامه‌نگاری فرهنگی در معنای اصیل خود، صرفاً خبررسانی درباره رویدادهای هنری، ادبی، رسانه‌ای یا فرهنگی نیست. وظیفه آن تنها اعلام انتشار یک کتاب، اکران یک فیلم، برگزاری یک جشنواره یا معرفی یک اثر هنری نیست. روزنامه‌نگاری فرهنگی تلاشی برای فهم و تفسیر پدیده‌هایی است که در بستر فرهنگ شکل می‌گیرند و بر فرهنگ اثر می‌گذارند. این نوع روزنامه‌نگاری می‌کوشد از سطح خبر عبور کند و به لایه‌های عمیق‌تر معنا راه یابد؛ لایه‌هایی که در آنها می‌توان نشانه‌های تحولات اجتماعی، تغییر ارزش‌ها، دگرگونی سبک‌های زندگی و جایه‌جایی الگوهای ذهنی و رفتاری جامعه را مشاهده کرد.

روزنامه‌نگار فرهنگی تنها راوی رخدادها نیست، بلکه مفسر آنها نیز هست. او می‌کوشد مخاطب را از مصرف‌کننده منفصل اخبار به ناظری اندیشمند تبدیل کند؛ ناظری که بتواند پشت هر خبر، روند‌ها، دلالت‌ها و معناهای فرهنگی آن را ببیند. فرهنگ، زیربنای حیات اجتماعی است. بسیاری از آنچه در عرصه‌های مختلف جامعه رخ می‌دهد، از اقتصاد و سیاست گرفته تا آموزش، خانواده، رسانه و فناوری، در نهایت ریشه‌ها و پیامدهای فرهنگی دارد. فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، نمادها، شیوه‌های زیست، الگوهای رفتاری و نظام‌های معنایی است که افراد و گروه‌ها بر اساس آن جهان پیرامون خود را فهم می‌کنند و با آن ارتباط برقرار می‌سازند. این منظر، فرهنگ بدون فهم فرهنگ ممکن نیست. بخش مهمی از چالش‌های امروز نیز ماهیتی فرهنگی دارند یا دست‌کم بدون شناخت ابعاد فرهنگی آنها قابل فهم نیستند. تغییر الگوهای ارتباطی، گسترش فضای مجازی، تحولات نسلی، دگرگونی مفهوم خانواده، تغییر سبک‌های عمومی، شکل‌گیری هویت‌های جدید، تغییر الگوهای مصرف فرهنگی و حتی بسیاری از مسائل اجتماعی و اقتصادی را نمی‌توان صرفاً با آمار و ارقام توضیح داد. این پدیده‌ها نیازمند خوانش فرهنگی هستند، خوانشی که بتواند لایه‌های پنهان‌تر واقعیت را آشکار سازد.

از سوی دیگر، هرگونه اقدام در میدان فرهنگ نیز پیش از هر چیز به شناخت و تفسیر فرهنگ نیاز دارد. سیاست‌گذاری فرهنگی، برنامه‌ریزی اجتماعی، تولید محصولات رسانه‌ای، فعالیت‌های آموزشی و حتی بسیاری از تصمیم‌های مدیریتی زمانی می‌تواند اثربخش باشد که بر درکی دقیق از تحولات فرهنگی جامعه استوار باشند. تجربه نشان داده است که فاصله گرفتن از واقعیت‌های فرهنگی و نادیده گرفتن تغییرات اجتماعی، اغلب به ناکارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌ها منجر می‌شود. فرهنگ را نمی‌توان صرفاً مدیریت کرد؛ ابتدا باید آن را فهمید.

از همین منظر، «تحلیل فرهنگی روز» تلاشی است برای گشودن پنجره‌ای تازه به رخداد‌های روزمره در حوزه فرهنگ. هدف این ستون صرفاً پرداختن به موضوعات فرهنگی به معنای متعارف آن نیست، بلکه نگرینستن به مسائلی روز از منظر فرهنگ است. گاه یک خبر رسانه‌ای، یک پدیده اجتماعی، یک رفتار جمعی، یک ترند در فضای مجازی یا حتی یک رویداد اقتصادی می‌تواند حامل معناها و نشانه‌های فرهنگی مهمی باشد. آنچه اهمیت دارد، توانایی دیدن این معناها و تأمل درباره آنهاست. این ستون می‌کوشد میان خبر و اندیشه پلی برقرار کند پلی که از مسیر تحلیل و تفسیر می‌گذرد. در اینجا رخدادها نه به عنوان وقایعی منفرد و گذرا، بلکه به مثابه بخشی از روندهای فرهنگی بزرگ‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند. تلاش خواهد شد تا هر موضوع روز، فرصتی برای اندیشیدن به وضعیت فرهنگی جامعه و فهم بهتر تحولات آن باشد.

«تحلیل فرهنگی روز» همچنین بر این باور است که رسانه تنها ابزار انتقال اطلاعات نیست، بلکه نهادی برای تقویت آگاهی عمومی و گسترش گفت‌وگوی اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین وظایف روزنامه‌نگاری فرهنگی، ایجاد زمینه برای تأمل جمعی درباره مسائل جامعه است. این تأمل نه به معنای ارائه پاسخ‌های قطعی، بلکه به معنای طرح پرسش‌های ضروری و گشودن افق‌های تازه برای فهم واقعیت است.

در نهایت، این ستون بر این اصل استوار است که فهم جامعه از مسیر فهم فرهنگ می‌گذرد. هرچه شناخت ما از تحولات فرهنگی عمیق‌تر باشد، توانایی ما برای درک مسائل، مواجهه با چالش‌ها و طراحی آینده‌ای بهتر نیز افزایش خواهد یافت. «تحلیل فرهنگی روز» می‌خواهد سهمی هرچند کوچک در این مسیر داشته باشد، مسیری که از خبر آغاز می‌شود، اما در تفسیر، تأمل و فهم عمیق‌تر فرهنگ و مسائل آن ادامه می‌یابد.

